

ادراكه بدون الظاهر فرجه في الحقيقة الى امر باطن من ذلك الظاهر  
 ادراك او بطون ظاهر پس مرجع از وجود حقیقت لوی امر باطن است از ان ظاهر  
 فيه فاعرف ان تاثير نسبت ظهور است نه در ثبوت و تحقق شئی مرشبی دیگر را  
 در وی پس بشناس این دین امر باطن یعنی مرتبه مذکور در عین و حقیقتی مرشبی دیگر را  
 از ذکر مآهی ثابت للوجود الحق الواجب فهو ثابت له ان لا وابدا وكذا  
 بزبان که هر چه از ثابت است موجود است واجب را پس او ثابت است مر آن در آن لا وابدا  
 كل مآه ثابت للممكن لكن كل واحد منها مراتب لاخر يظهر به  
 هر چه از ثابت است ممکن را لکن هر یک از واجب و ممکن مراتب است مرتبه ظاهر و مرتبه باطن  
 احكامه فالعروة بالصفة والاحكام والنسب والانوار والمراتب  
 احكام او پس مرتبه صفات و احكام و نسبتها و انوار و مراتب  
 و ظهورها للممكنات هي الحادثة مجردة للممكنات لا بثبوتها انتفاها  
 و ظهور آثار ممکنات را آن همه حادث است بحدوث ممکنات نه ثبوت ممکنات و انتفاها  
 لمن هي ثابتة له او منفية عنه فاقوم اعظم النسبة المحجب  
 مر آنرا که آنها ثابت اند او را با منافی از از وی پس ممکن بزرگتر بر نسبت و حجاب  
 التعددات الواقعة في الوجود الواحد بموجب انوار الاعيان ظهرت  
 تعددات انرا که واقع شده اند در وجود واحد بموجب انوار اعيان ظاهر شده اند  
 في الوجود وبالوجود وانما ظهرت انوارها في الوجود ولم تقم  
 در وجود و بوجود و جز این نیست که ظاهر شده اند انرا اعيان در وجود و اینها ظاهر شده اند  
 هي ولا تظهر ابدا فالظهور انما هو للوجود لكن بشرط التعدد  
 و ظاهر آنرا هرگز ابدا پس ظهور جز این نیست که آن وجود است لکن بشرط تعدد وجود

تامة  
 القدر  
 في الوجود  
 ان الاعداد  
 في الوجود

مع انوار الاعيان فيه و بطون صفة ذاتية للاعيان والوجود  
 بانوار اعيان در وجود و بطون صفت ذاتية است مراعيان او در وجود  
 ايضا من حيث تفعل وحدثة اكر وجود حق را سبحانه وتعالى مراتب  
 نیز صفت ذاتية است از وی تفعل و هدة او  
 اعتبار كني ظاهر و روي احكام و انوار اعيان است نه اعيان بذواتها  
 فانها كما شئت مرا حنة الوجود و نه وجود من حيث هو كما هو  
 شأن المرأة و انرا اعيان را مراتب اعتبار كنيسة ظاهر و روي اسما و صفات و ثبوت  
 و تجليات و وجودت با وجود تفعل بحسب هذه الامور و نه وجود من حيث هو اعيان  
 لما عرفت من شأن المرآت پس وجود حقيقي و اعيان تا بنسبه هر دو از لا  
 و ابداد مرتبه بطون اند و ظاهر با احكام و انوار اعيان اند باعتبار اول  
 اسما و صفات و ثبوت و تجليات و وجود حق سبحانه و تعالى با وجود من بحسب  
 هذه الامور باعتبار ثاني **نظير** ممكن ز نك نامی عدم تا كشيده رخت و ان  
 بجلوه كاه اعيان ما نهاده كام و در حجاب كشم كشم نفس غيب جيت بر لوح  
 آمده مشهور و خاص و عام هر يك مخفیه ليك ز امر آن ان در كبر و بنسبه جليل  
 احكام خورشيد كام با ده نمان و جام نهان آمده بديده و جام عكس با ده و در  
 رنگ جام و بعد از تنزل بر مرتبه نفي تا نفي تنزل است بر مرتبه ارواح كرام  
 عالم غيب و عالم امر و عالم علوي و عالم ملكوت كوسيد و آن عبارت از عالمي است